

حقوق بزه‌دیده در جرایم بزهکاران دارای مصونیت سیاسی

امیررضا محمودی^۱، سیده مهشید میری بالاجورشری^۲، محدثه قوامی پور سرشکه^۳

^۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان

^۳ کارشناس ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان

چکیده

زمانی که یک عهد نامه بین‌المللی مصونیتی برای ماموران سیاسی در خاک کشور پذیرنده یا محل ماموریت قرار دهد، رفتار بزه کارانه مامور نیز دارای مصونیت‌هایی خواهد شد که به موجب آن مصونیت، امکان تعقیب، بازداشت و محاکمه مامور وجود نخواهد داشت. اما با توجه به ضلع دیگر بزه یعنی بزه دیده، وضعیت وی ایجاب می‌نماید که شرایطی ایجاد گردد که حقوق وی پایمال نشده و وی بیشتر از آنچه که هست در ورطه مشکلات گرفتار نشود. بنابراین با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین قواعد حقوق شهروندی و همچنین ارزش و کرامات انسانی روش‌هایی برای احقاق حقوق بزه دیده بایستی مدنظر قرار بگیرد، تا وی بتواند حقوق از دست رفته خود را باز یافته و خسارات وارد شده بر وی جبران شده و وضعیت وی به حالت قبل از وقوع جرم برگردد. بنابراین برای احقاق حقوق بزه دیده در چنین شرایطی برخی اقدامات از جمله مشاوره، همراهی، حمایت، رایزنی سیاسی با دولت متبوع مامور و مسائلی از این دست صورت گیرد تا بزه دیده بتواند براحت به دنبال احقاق حقوق خود باشد.

واژه‌های کلیدی: مصونیت، مصونیت سیاسی، بزه کاری دارای مصونیت سیاسی، حقوق بزه دیده.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در این مقاله حقوق ناظر به شناسایی بزه دیده برای پذیرش وی در نظام عدالت کیفری جهت تظلم خواهی و احقاق حقوق از دست رفته خود، همچنین حقوق مربوط به همراهی و حمایت بزه دیده برای آگاهی از فرایند دادرسی کیفری و تضمین امنیت وی در این مسیر و در آخر هم حقوق مربوط به جبران خسارت برای ترمیم و جبران آسیب ها و خسارات وارده مورد بحث و تدقیق قرار خواهد گرفت.

با به وقوع پیوستن جرم بعضی از افراد جامعه هدف آن قرار می گیرند. بزه دیده به غیر از تحمل خسارت های مختلف و آلام ناشی از جرم و بزه دیده گی ارزش انسانی و کرامت خود را از دست رفته می بیند و به دنبال چاره ای برای بازیابی وضعیت اولیه خود می گردد. در مراحل دادرسی بزه دیده با انبوهی از مشکلات مواجه می باشد. این مشکلات عبارتند از تعدد پلیس و دادسرا، مراجع حل و فصل اختلافات و کارشناسی، انبوهی از پرونده ها و سردرگمی بزه دیده در آن ها و سوء رفتارهای احتمالی دست اندرکاران امر قضا و اجرائیات، ناملايمات و خسارات مادی و روانی مختلف بر وی بار می گردد. به غیر از این ناملايمات وجود برخی مصونیت ها در مجرمین و بزهکاران نیز می تواند وضعیت بزه دیده را در شرایط بغرنجی قرار دهد و وی را از رسیدن به حقوق خود در مراحل مختلف با مشکلات عدیده ای مواجه سازد. این مشکلات نه تنها موجب بزه دیدگی یا ناملايمات ثانوی و تکرار آن می گردد بلکه لطمه جبران ناپذیری به کرامت و غرور انسانی فرد وارد می آورد. شناخت این مشکلات در مراحل مختلف تظلم خواهی از جانب بزه دیده موجب تسهیل در احقاق حقوق وی خواهد شد.

حقوق مزبور متعدد و مختلف می باشد و حقوقی همچون شناسایی، دسترسی به دستگاه عدالت، پذیرفته شدن، همراهی و حمایت، گوش فرادادن، آگاهی یافتن، راهنمایی شدن، حق جبران خسارت تحمیلی اعم از خسارات جسمی، مادی، روانی و اجتماعی و بر عهده گرفتن هزینه های بزه دیده را شامل می گردد. حقوق مزبور به شخص بزه دیده نماینده قانونی وی و وراث قانونی اش تعلق می گیرد. در اینجا ذکر این مورد خالی از لطف نیست که این حقوق بایستی در طول فرایندی به بزه دیده تعلق گیرد و بدین وسیله ضامن کرامت انسانی وی باشد. زمانی که قربانی در مراحل دادرسی کیفری به شکل محترمانه و شفاف پذیرفته شود در برابر خسارات، آلام و ناملايمي ها حس جبران برایش دست خواهد داد و روح و روان و جسم و کرامت وی آرامشی بی بدیل بخود خواهد گرفت. کرامت انسانی یکی از حقوق بنیادین بشر می باشد که هر کس از هر قوم و قبیله، رنگ و نژاد از آن برخوردار می باشد (بند ۶، اصل دوم و اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی). بنابراین حفظ کرامات انسانی و ارزش های والای بشری به عنوان یکی از حقوق برابر و غیر قابل اسقاط و انتقال بشر و همچنین به عنوان یکی از حقوق اصلی و بنیادین برای بزه دیدگان شناخته شده است.

حقوق ناظر به شناسایی، حقوق حمایت و همراهی و حقوق مربوط به جبران خسارات بزه دیده با توجه به منطوق اعلامیه "اصول اساسی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت" مصوب سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ ناظر به رفتار مسالمت آمیز و منصفانه با بزه دیده و حق جبران خسارت وی، به عنوان نمودی از حقوق اصلی و اساسی و بنیادی بزه دیدگان مبتنی بر حفظ کرامت و ارزش های والای بشری و در جهت پیشگیری از بزه دیدگی و رنج ها و آلام آتی و تکرار آن ها بیان می گردد. همچنین از جهاتی که برخی از بزه دیدگان و قربانیان جرایم بنا به دلایلی مانند نژاد، جنس، سن، ناتوانی های جسمی یا روحی و موقعیت و مصونیت بزه کار طرف مقابلش بیشتر در معرض بزه دیدگی آتی قرار می گیرد ضرورت مراعات چنین حقوقی نسبت بدان ها از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است و بر این اساس ابعاد و مصادیق متعدد این حقوق در

فرایند دادرسی کیفری یعنی از اولین مرحله آن یا به تعبیری دیگر مواجهه قربانی با مامور تعقیب یا پژوهش تا صدور و اجرای حکم با تاکید بر حقوق بزه دیدگان خاص (بزه دیدگان خاص عبارتند از کودکان، سالمندان، ناتوانان، اقلیت ها و بزه دیدگانی که طرف آنها دارای مصونیت می باشند هستند) بررسی شده است.

الف: حقوق مربوط به شناسایی بزه دیده

ناتوانی ها و کمبودهای برخی از اشخاص جامعه که در معرض بزه دیدگی قراردارند خود به تنهایی می تواند دلیلی برای دور شدن آن ها از مرادوات و مناسبات اجتماعی و کاهش اعتماد به نفس آن ها گردد. اگر این خسارات و آسیب ها با اختلالات ناشی از جرم همراه گردد نمی توان امیدی به بازگشت این اشخاص به روند معمول زندگی داشت. مصادیق بزه دیدگی کودکان، سالمندان و قربانیانی که طرف مقابل آن ها دارای مصونیت سیاسی می باشد این واقعیت را بهتر و روشن تر مشهود می کند که تا چه میزان بزه دیدگی این اشخاص با تسامح رفتار می شود و این امر نتیجه عدم شناخت صحیح نسبت به حقوق تضییع شده این افراد است.

شناخته شدن به عنوان قربانی جرم از ابتدایی ترین و یکی از حقوق اولیه بشر می باشد که قربانی از جامعه و گروهی که در آن زندگی می کند طلب و درخواست می کند و اگر این حق برای چنین بزه دیدگان مورد شناسایی قرار گیرد ضمن تشویق این افراد به دادخواهی از مراجع کیفری، اصلاح جامعه از مفاسد و معایب نیز عملی خواهد شد. حقوق مربوط به بزه دیده گان عبارت است از حق شناسایی و مورد توجه قرار گرفتن، حق دسترسی به عدالت و حق پذیرش می باشد.

در فرض پژوهش زمانی که بزهی از جانب شخصی که دارای مصونیت سیاسی هست اتفاق می افتد بایستی رویه ای موجود باشد که فرد بزه دیده بتواند خود را با عنوان قربانی یک جرم در مقابل دستگاه قضایی یا اجرایی معرفی نماید و به صرف مصون بودن بزه کار نباید از این مساله سوءاستفاده شود و بازیچه ای در دست مقامات و سیاسیون شود و به واسطه آن از اصل موضوع دور شود.

ا: حق شناسایی و مورد توجه قرار گرفتن

با وقوع جرم بزه دیده به درون یک فاجعه پیچیده و ناشناخته وارد می شود. وی جایگاه روابط اجتماعی خود را در جامعه از بین رفته می بیند و به دنبال ترمیم و احیای جایگاه بایستی شرایط و امکانات لازم برای بازیابی جایگاه اصلی و سابق وی در اختیار او قرار گیرد.

برای شناخت صحیح حق شناسایی و مورد توجه قرار گرفتن قربانیان باید به مساله بزه دیدگی پنهان اشاره شود. برخی از جرایم به شکل پنهان صورت گرفته و اکثر آن ها از گزارش به پلیس منع می شود. وقتی فرد خود را بزه دیده نداند و تصور احقاق حقوق خود را نداشته باشد و خود را در معرض تهدیدات و همچنین سرزنش های دیگران ببیند دیگر امیدی برای بهبودی وضعیت قربانی و بدست آوردن جایگاه سابق اش نخواهد داشت. این امر درمورد جرایمی که از جانب ماموران سیاسی در کشور پذیرنده صورت می گیرد شدت فراوانی دارد. در چنین جرایمی که از جانب اشخاص مصون از تعقیب کیفری بوقوع می پیوندد سوای وضعیت خود قربانی و خانواده وی که اکثرا امیدی برای بازیابی شرایط گذشته خود ندارند وجود مرادوات و پنهان کاری های سیاسی و دولتی کار را برای احقاق حقوق این قربانیان با مشکل مواجه می سازد. بنابراین اولین قدم در این

راه سوای هر مراوده سیاسی و جدای از هر نوع کاریزمای دولتی بایستی قربانی چنین جرم هایی مورد شناسایی قرار گیرد و حقوق شناخته شدن و مورد توجه قرار گرفتن برای آن ها به شکل گسترده در نظر گرفته شود.

اگر به حق مزبور در فرایند دادرسی کیفری اهمیت داده نشود نه تنها بزه دیدگی پنهان در سطح جامعه افزایش می یابد بلکه حقوق اکثر قربانیان در پیچ و خم روند سیاسی از بین خواهد رفت. دلایل عدم آشکار سازی بزه دیده گی متفاوت و متعدد است خصوصاً در مواردی که طرح شکایت موجب محکومیت خود قربانی را فراهم سازد. برخی از این موارد عبارتند از:

- احساس شرمساری و خجالت کشیدن؛

- عدم مطابقت با ارزش های حاکم در جامعه؛

- ترس از موارد سرکوب و از هم پاشیدگی خانواده؛

- ترس از صدور رای خلاف واقع؛

- ترس از پنهان کاری های سیاسی و امتیاز های دولتی. (Jaspard, M, 2000, 25)

از سویی دیگر ممکن است واکنشی از جانب خانواده این قربانیان به دلیل ترس از تعقیب کیفری یا متهم شدن خودشان و یا بدلیل بی توجهی و سهل انگاری صورت نگیرد. گاه ترغیب ها برای فراموش کردن بزه و آثار آن از جانب خانواده بوده و گاه از جانب دولت صورت می گیرد. در جرم تجاوز جنسی که در قلمرو جرایم پنهان قرار می گیرد چنین تعقیب هایی از جانب خانواده و اطرافیان شخص بر او تحمیل می شود که با فراموش کردن جرم واقع شده از مجازات فاعل و از سویی دیگر صرف وقت و هزینه و آبرو رهایی یابند. از طرفی نیز چنین تعقیب هایی از جانب دولت صورت می گیرد. در جرایمی که فاعلین و مسببین آن دارای برخی مصونیت ها و امتیازاتی از قبیل مصونیت سیاسی و قضایی و... است برخی ترغیب ها برای پنهان کاری و فراموش شدن جرم واقع شده صورت می گیرد که این امور به طور کلی خلاف عرف و قواعد بین المللی است. مصونیت های سیاسی در جهت حسن انجام امور ماموریت به صورت طرفینی برقرار می شود و فلسفه وجودی آن مبتنی بر تساوی و روشن گری می باشد. هر چند اگر چه مجرمین دارای مصونیت سیاسی از تعقیب و محاکمه در خاک کشور پذیرنده در امان می باشند اما تعقیب و محاکمه آنان در دادگاه های صالح کشور فرستنده صورت می گیرد و در لابلای این روند نباید پنهان کاری و ملاحظیات سیاسی وارد شود. (محمودی، دیرند، ۱۳۹۴، ۲۶)

ترغیب های اطرافیان و دولت برای پنهان کاری و فراموش کردن بزه موجب بروز اختلالات در روح و روان بزه دیده در آینده خواهد شد. زیرا انکار تمامی مشکلات بزه دیده از جانب اطرافیان و یا دولت مشکلات وی را دوچندان کرده و او را در دریایی از نا بسامانی ها و سختی ها غوطه ور می کند. این امر وقتی شدت بیشتری به خود می گیرد که بزه دیده مورد سرزنش اطرافیان و دولت نیز قرار گیرد که این امر می تواند باعث شود که فرد قربانی چنین تصور کند که در وقوع جرم خود نیز دخالت داشته و سهمیم بوده است که این امر باعث اختلالات روحی و امکان ارتکاب جرم از جانب بزه دیده در آینده گردد. متأسفانه تعداد کثیری از اعضای جامعه که حکومت های حاکم بر آن ها فکر میکنند که آن ها را تحت پوشش حمایتی خود درآورده اند و مانع بزه دیده گی آن ها شده اند درواقعیت قربانیان و بزه دیده گان روزمره جرایم هستند. به بیانی دیگر یکی از

مهم ترین دستاوردهای حق شناسایی و مورد توجه قرار گرفتن، آگاهی از ناآگاهی دولت ها نسبت به واقعیات مساله جرایم در کشور می باشد (آشوری، خدادادی، ۱۳۹۰، ۸)

۲: حق دسترسی به عدالت کیفری

از دیگر حقوق ناظر به شناسایی بزه دیده حق دسترسی وی به عدالت کیفری می باشد. از دلایل پیشرفته و دموکراتیک بودن جوامع وضع قوانینی آسان برای دسترسی افراد به دستگاه قضا و تشکیلات عدالت و دادخواهی می باشد. در عمل بایستی وضعیتی ایجاد شود که تمامی افراد جامعه به راحتی بتوانند برای احقاق حقوق از دست رفته خود و برای تظلم و دادخواهی و بوسیله یک چارچوب و دادرسی و روندی رسمی از طریق سازمان ها و تشکیلات مختلف به مراجع رسیدگی، دادرسان، وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری مرتبط با موضوع دسترسی داشته باشند.

در برخی اوقات موانعی برای احقاق حقوق در رابطه با مراجعه به مراجع قضایی بوجود می آید. برخی از این موانع شخصی بوده و برخی دیگر دولتی و سیاسی می باشد. برخی از این موانع و مشکلات در اثر ناتوانی های جسمانی و روانی، عدم اطلاع، ترس، پیچیدگی روند دادرسی و تخصصی بودن موضوعات، تعدد و پیچیدگی مراجع و عدم امکان پرداخت هزینه های بالای دادرسی ایجاد می گردد. در کنار این ها برخی از موارد نیز به صورت غیرشخصی و خارجی می باشد، از قبیل وجود مصونیت های سیاسی و قضایی و شغلی در برخی از اشخاص، اجبار و ترس از دولت و... می باشند که امر مراجعه به محاکم را با مشکلات عدیده ای مواجه می سازد. بنابراین با این اوصاف بایستی در کنار راه کارهای دسترسی به عدالت برای بزه دیده گان، موانع و مشکلات عدیده رجوع به بزه دیده به سازوکار عدالت کیفری را رفع نمود (Lopez & Portelli, 2007, 14). همچنین بایستی دسترسی بزه دیده به وکیل نیز آسان شود و هزینه های دادرسی تا جایی که امکان دارد کاهش یابد و یا از طریق نهاد های حمایت کننده و بنیاد های کمکی پرداخت شود.

بر مبنای همین دیدگاه انجام شکایت بایستی با ساده ترین شکل ممکن و بدون تشریقات اضافی طرح و ثبت گردد. دلایل لازمه برای اقامه دعوی به شکل ساده مورد توجه قرار گیرد و از پژوهش های اضافی و دست و پا گیر که موجب صرف وقت مناسب برای تعقیب متهم می گردد بایستی صرف نظر شود. لازم است که قربانیان و یا بزه دیده گان در اقامه دعوی مورد حمایت قرار گرفته و با احترام مورد قبول و پذیرش قرار گیرند. یکی از حقوقی که بزه دیدگان دارند این است که از حقوق خود به طور تمام و کمال از طریق مراکز پلیس وکلانتری ها مطلع گردند.

یکی از وظایف مهم دستگاه عدالت کیفری این است در کنار تضمین پذیرش محترمانه بزه دیده بایستی زمینه های لازم را برای مشارکت وی در فرایند دادرسی فراهم نماید. به بیانی دیگر قربانی یا بزه دیده بایستی در کل فرایند دادرسی در کنار دست اندرکاران دستگاه قضایی به کشف حقیقت کمک کند. اما آنچه در دستگاه های قضایی جهان مشهود است این است که آن ها فرض بر آن دارند که بزه دیدگان نمی توانند در هیچ یک از مراحل دادرسی مساعدتی در پیشبرد روند رسیدگی داشته باشند (سماواتی پیروز، ۱۳۸۸، ۱۶۳) از مهمترین آثار این روند سرعت در رسیدگی می باشد. سرعت در رسیدگی هم منافع بزهکار و هم منافع بزه دیده را تامین می کند. زیرا به وی این امکان را می بخشد که به صورت موثر از حقوق از دست رفته خود دفاع نماید. به موجب بند اول ماده ششم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی که مقرر می دارد،

"همه اشخاص حق دارند که به دعوی‌شان در مهلتی معقول رسیدگی شود"، این حق علاوه بر بزهکار برای بزه دید نیز مناسب است. (آشوری، ۱۳۸۴، ۳۲۵)

با این توصیفات و ارزش قائل شدن به بزه دیده در فرآیند دادرسی در حالت عادی در مواردی هم که بزه کار دارای مصونیت های سیاسی می باشد و به نوعی از تعقیب و محاکمه مبری است بایستی حقوق بزه دیده به شکل کامل مورد حمایت و تضمین قرار گیرد. در چنین مواردی یعنی در مواقعی که بزه کار دارای مصونیت سیاسی می باشد باز هم بزه دیده بایستی حق مراجعه به تشکیلات قضایی را داشته باشد. هرچند طبق کنوانسیون وین در رابطه با حقوق دیپلماتیک که مقرر می دارد بزه کار دارای مصونیت در مراجع صالح کشور فرستنده مورد محاکمه قرار خواهد گرفت و هیچگونه مسئولیتی متوجه وی در خاک کشور پذیرنده وجود نخواهد داشت اما بزه دیده بایستی به شکل آسان و شفاف و بدون از هر گونه پنهان کاری جهت اطلاع از حقوق خود و روند رسیدگی در خاک کشور فرستنده نماینده به مراجع صالحه از قبیل مراجع قضایی و مراجع سیاسی چون وزارت امور خارجه و وزارت کشور را داشته باشد. دولت متبوع بزه دیده بایستی امکانات لازم را برای همکاری با کشور فرستنده در جهت احقاق حقوق و جبران خسارات وارده به عمل بیاورد. دولت متبوع بزه دیده بایستی امکانات لازمه را در خصوص گرفتن وکیل و پی گیری از طریق سفارت خانه را در دستور کار خود قرار دهد.

در کشورهایی که قواعد دادگاه حقوق بشر اروپا در آن ها جاری و ساری می باشد این امر با تسهیلات فراوانی روند خود را طی می نماید، به گونه ای که بزه دیده پس از مراجعه به مراجع داخلی و پی گیری حقوق خود چنانچه مواجه با عدم همکاری مسئولین شود می تواند شکایت خود را در دادگاه حقوق بشر اروپایی پیش برد و وسایل لازمه برای احقاق حقوق از دست رفته خود را جبران نماید. (Algan, 2012, 37-۳۹)

۳: حق پذیرفته شدن

حق پذیرش قربانی در کلیه مراجع رسمی و غیر رسمی یکی دیگر از حقوق مربوط به شناسایی بزه دیده می باشد. مراجع مربوط عبارتند از: کلانتری ها، دادگاه ها، دادگستری، نهادهای خدمات اجتماعی و بهزیستی و اداره بیمه می باشد. این مراکز بایستی تعطیل ناپذیر بوده و در همه زمان ها با شکل معمول و آسان در دسترس همگان باشد. در مراکز مزبور بایستی از کارشناسان متعدد برای بررسی حالات روحی، روانی و جسمانی بزه دیده گان استفاده شود. (Doerner, 2010, p 189) حالات مزبور بایستی در موارد مراجعه بزه دیده ای که طرف مقابل وی دارای مصونیت های سیاسی است نیز به شکل مشدده اجرا گردد. به طوری که چون در چنین حالاتی به دلایل سیاسی و حالات حساس بوجود آمده امکان تقلب در روند دادرسی وجود دارد بایستی پذیرش چنین افرادی با حساسیت ویژه ای صورت پذیرد.

شکل دیگر حق پذیرفته شدن بزه دیده راجع به شناسایی این حقوق در رفتار پلیس با آن ها است. کلانتری ها و پلیس ها در نظام عدالت کیفری دارای اهمیت ویژه ای هستند به طوری که این ها جزو اولین مراجع و اشخاصی هستند که با بزه دیده ارتباط برقرار می نمایند. این ها نقش ویژه ای در رفع نیازهای اولیه قربانیان دارند. نیاز به مشاوره، نیاز های اطلاعاتی و مواردی از این دست از جنبه های حمایتی مراجع انتظامی در برخورد با بزه دیده گان می باشد. البته این موارد تا بدین روز در کلانتری های کشور ایران اجرایی نشده است و از موارد ضعف کلانتری های ایران در هنگام مراجعه بزه دیده گان به این دوایر هستند. با این اوصاف مشخص می گردد که در حالت عادی در ایران بزه دیده ای که طرف مقابل وی نیز از حقوق مشابه وی برخوردار

است نمی تواند از حقوق معمول خود که در کشورهای دموکراتیک برای آن ها در نظر گرفته شده است استفاده کند بنابراین در حالتی که بزه کار دارای امتیاز و مصونیت ویژه ای نسبت به بزه دیده است حتی امکان مراجعه به کلانتری جهت کسب اطلاع از حقوق فرد نیز با مشکلات و موانع عدیده ای مواجه خواهد بود. (زنگرز، ۱۳۸۹، ۱۵)

در تکمیل توضیحات بالا بایستی بیان کرد که یکی دیگر از عوامل مهم در این زمینه ذهنیت پلیس و کلانتری ها در پرونده ها می باشد. این امر حتی از عملیات اجرایی کلانتری ها نیز اهمیت بیشتری دارد. نحوه برخورد کلانتری ها در جهت گیری های صحیح و ناصحیح پرونده ها تاثیر زیادی دارد. اکثرا نبود ساختار و تشکیلات مناسب با توجه به نیاز های مختلف بزه دیده گان و نیز نقایص و کمبود های شناخت فردی ماموران پلیس نسبت به وضعیت این دسته مانعی در تحقق این حق می تواند قلمداد شود. در رابطه با مواردی که بزهکار دارای مصونیت سیاسی و امتیاز ویژه ای می باشد شناخت و اطلاعات زیاد و صحیحی نسبت به مورد در کلانتری ها وجود ندارد و به دلیل این که چنین مواردی به شکل نادر اتفاق می افتد تشکیلات پلیس بیشتر دنبال چنین مواردی نمی روند. بزه دیده در چنین شرایطی حق مراجعه به مراکز انتظامی را جهت اطلاع از حقوق خود و پیگیری احقاق حقوق خود را دارد ولی از آن جایی که اطلاعات لازم در مراکز انتظامی در این راستا وجود ندارد بدان جهت بزه دیده در این شرایط در میان تشکیلات مختلف سیاسی سردر گم می ماند.

بنابراین با این اوصاف مشخص می گردد که اهمیت تعلیم پلیس در مراجع انتظامی از از جهات مختلف یعنی از جهات روانشناسی و اجتماعی خیلی بیشتر از سایر جهات عملی و استراتژیک می باشد. نحوه برخورد پلیس با بزه دیده ای که حالت خاصی داشته و طرف مقابل وی دارای امتیاز سیاسی می باشد فن خاصی را طلب می کند. نحوه برقراری ارتباط زبانی، نحوه بی طرفی، داشتن اطلاعات جامع از نحوه احقاق حقوق، نحوه ارتباط با سایر ارگان ها و همچنین دانستن زبان های خارجی می تواند حقوق بزه دیده را در این حالات خاص مورد حمایت قرار دهد.

همانطور که بیان گردید محور اصلی بزه دیده گی افسار آسید پذیر جامعه هست. بزه به خودی خود باعث دور شدن آن ها از بطن جامعه می شود و همچنین هدف جرم و بزه واقع شدن آسید های روانی و جسمی فراوانی را برای بزه دیده وارد می سازد و در مواقعی که بزهکار این جرایم از مصونیت سیاسی برخوردار می باشد آسید های فزاینده ناشی از جرم به این دسته از بزه دیده گان بیشتر و بیشتر می گردد. اگر با این بزه دیده گان به خاطر مصونیت سیاسی طرف مقابل برخورد ویژه ای صورت نگیرد اجرای عدالت دچار خلل عظیمی می گردد و با این وصف نمی توان ادعا کرد که دستگاه عدالت به شکل عادلانه به دنبال اجرای عدالت است. پس از شناخت حقوق بزه دیده در دسترسی آسان به دستگاه عدالت بایستی در جهت اجرای این امور تسهیلات لازمه و قوانین و آیین نامه های لازم تصویب و اجرا گردد. همچنین برای اجرایی شدن این امور در تشکیلات کلانتری ها و مراکز انتظامی از کارشناسان و اهل خبره استفاده شود و همواره اولین برخورد با بزه دیده را به دست روانشناسان علوم روانی و اجتماعی بسپارند.

۴: حقوق همراهی

حقوق حمایت و همراهی دارای نقشی اساسی در جهت ایجاد و اجرای یک سری خدمات برای بزه دیده می باشد. این حقوق هم در جهت بهبود رنج های روحی و روانی بزه دیده عمل می کند و هم از آسید هایی که در آینده می تواند گریبان گیر بزه دیده شود پیشگیری نماید. حق مزبور برخلاف حق دسترسی به مراجع که مقطعی بوده و صرفا در زمان مراجعه بزه دیده به

مراجع انتظامی و قضایی بوجود می آید مقطعی نبوده و در همه حال همراه بزه دیده خواهد بود. به طوری که از اولین برخورد قربانی با مامورین پلیس شروع شده و تا زمان صدور حکم و اجرای آن ادامه خواهد یافت. بزه دیده در شرایط عادی بایستی از پشتیبانی ها و حمایت هایی در فرایند دادرسی برخوردار باشد اما نباید این پشتیبانی ها طوری باشد که بزه دیده را عملاً از صحنه احقاق حقوق خود دور نماید. حقوق مزبور شامل حق اطلاع یافتن، حق حمایت شدن و حق برخورد مناسب در اسرع وقت و... می باشد. با این اوصاف مشخص است زمانی که بزهدار دارای شرایط ویژه ای همچون مصونیت می باشد بایستی حمایت ها از بزه دیده به شکلی باشد که وی در کل خود را تحت حمایت کامل مراکز انتظامی، قضایی و سیاسی قلمداد کند.

۵: حق استماع

نخستین مرحله در حمایت بزه دیده استماع تظلمات و شکایات و بیانات وی می باشد. اما استماع مزبور بایستی به شکل تخصصی و روانشناسانه صورت گیرد بطوری که در جریان گوش دادن نبایستی حالت طرفدارانه و پیشداوری و مسایلی از این دست اتفاق بیفتد و در این مرحله حتی کوچکترین واقعه و بیانات باید شنیده شود مورد حلاجی قرار گیرد. استماع موفقیت آمیز روند دادرسی را تسهیل می نماید و باعث می شود که صدور رای و اجرای آن بشکل عادلانه صورت گیرد. این فرایند باعث می گردد که ذهنیت همگان نسبت به سیستم قضایی مثبت شده و باعث کارآمدی سیستم قضایی و اجرایی می شود. در موردی هم که بزهدار دارای مصونیت می باشد روند استماع اظهارات بزه دیده بایستی بیشتر در کانون توجه قرار گیرد و توسط اهل خبره صورت گیرد. در مرحله تکمیل این فرایند بایستی برای خود بزه دیده نیز پرونده کیفری تشکیل شود و تشکیل چنین پرونده ای نباید فقط منحصر به بزهدار باشد. این امر در مواردی که بزهدار دارای مصونیت سیاسی است خیلی بیشتر است تشکیل پرونده کیفری برای چنین بزه دیده ای می تواند در سایر مراحل کمک حال وی شده و ثبت کلیه روند دادرسی در آن راهگشای وی در جریان احقاق حقوق خود شود. در این پرونده تمامی اطلاعات مرتبط با شناسایی بزه دیده، آدرس های ضروری وی، تمامی اطلاعات مربوط به بزه و خسارات وارده، نگرش بزه دیده به بزه اتفاقی، کلیه اظهارات و رنج ها و آثار ناشی از جرم و همچنین اطلاعاتی جامع از بزهدار طرف بزه دیده بخصوص مصونیت ها و امتیازات وی درج گردد. Doerner, (2010, p 190) چنین پرونده ای باعث می گردد که بزه دیده مجبور نباشد راجع به بزه واقعه در هر مکان و در هر زمان دوباره کاری کرده و اظهارات خود را تکرار کند. همچنین حق داشتن چنین پرونده ای به بزه دیده این امکان را می دهد که در جهت احقاق حقوق خود رونوشتی از آن را به مراجع صالحه به همراه برده و کلیاتی از واقعه را به مراجع مختلف از قبیل وزارت امور خارجه و اداره امنیت و اتباع خارجی ارائه نماید.

از دیگر موارد لازم برای استماع بزه دیده مشارکت وی در تصمیمات می باشد. با استماع صحیح و اصولی اظهارات بزه دیده بخصوص در مواردی که بزهدار طرف وی از مصونیت برخوردار است می توان در تصمیمات ابتدایی که برای وی گرفته می شود از جمله درخواست مراجعه به مرکز صالح محل اقامت خود و مسایلی از این دست در روند رسیدگی واحقاق حقوق وی گام بلندی برداشته شود.

مورد دیگری که در رابطه با استماع صحیح و اصولی بزه دیده می توان ذکر کرد این است که در طول استماع بایستی توجه ویژه به حالات روحی وی داشت چونکه فردی که در معرض بزهدی واقع شده و هنوز آلام رنج فیزیکی و روحی در وی می باشد بنابراین در مرحله استماع بایستی حضور یک روانشناس در کنار وی عملی گردد. این امر در موردی که بزهدار دارای مصونیت بوده و بزه دیده با شرایطی نادر مواجه است می تواند بسیار تاثیر گذار باشد و کنترل بزه دیده را در مراحل اولیه به انجام رساند

تا بدین وسیله و با کنترل اعصاب و روان خود راه حل عقلایی و متناسبی را برای احقاق حقوق خود در پیش بگیرد. (Lopez, Bornstein, 1995, 315)

۶: حق آگاهی

نمود عینی و عملی احترام به بزه دیده باید در روند ارائه خدمات حمایتی آسان نسبت به وی متجلی گردد. اطلاع و آگاهی دادن به بزه دیده از روند رسیدگی و محتویات پرونده در هر حالتی و در هر زمان خصوصا خارج از نوبت می تواند موجب تمایل وی جهت همکاری و همراهی نسبت به روند رسیدگی و پژوهش و صدور حکم باشد. اطلاع و راهنمایی بزه دیده از نوع دعوی موجب می گردد که وی در رسیدن به خواسته ها و حقوق از دست رفته خود تلاش بیشتری کرده و سعه صدر مضاعفی داشته باشد. بزه دیده حق دارد به شکل شفاف در مورد روند دادرسی، درجه موفقیت در احقاق حقوق خود، آرای کارشناسان، نحوه دفاع بزه کار در فرایند دادرسی، مکان و زمان دادرسی، مدت زمان دادرسی و واخواهی و اعتراض و... اطلاع یابد.

حق آگاهی همچنان که اشاره شد از حقوق اولیه بزه دیده بشمار می رود به طوری که در شرایط عادی که بزه کار و بزه دیده در شرایط مساوی به سر می برند و هیچ کدام دارای امتیازی نسبت به دیگری نمی باشد رعایت آن لازم و ضروری می باشد. حال زمانی که بزه کار دارای مصونیت سیاسی می باشد بایستی این حق بیشتر مورد توجه قرار گیرد. بنابراین لازم است که نهادی در جهت آگاهی دادن صحیح و متوالی به بزه دیده در این شرایط وجود داشته باشد به گونه ای که بزه دیده حتی کوچکترین شبهه ای نسبت به سیستم عدالت و قوانین موضوعه و عهد نامه های سیاسی نداشته باشد و امید داشته باشد که روزی روند رسیدگی در دادگاهی صالح صورت گرفته و حقوق از دست رفته وی احقاق شده و شرایط و اوضاع احوال اولیه برای وی فراهم خواهد آمد. بر این اساس برخی از نظام های حقوقی افرادی را مسئول اطلاع رسانی به بزه دیده گان قرار می دهند تا از این طریق دسترسی به اطلاعات را برای بزه دیده تضمین کنند.

یکی دیگر از حالات حق آگاهی یافتن حق مشاوره می باشد. حق مشاوره بدان معناست که در طول دادرسی از بدو شروع تا پایان آن و اجرای حکم، مشاوره های مورد نیاز به بزه دیده داده شود. مشاوره در رابطه با شناخت پرونده و دعوی مطروحه، تفاوت های مراحل دادرسی، مراجع صالحه، کارشناسان و اشخاص درگیر در پرونده، مشاوره در رابطه با نهادهای مددکاری و بهزیستی و کمک از قبیل کمیته های امدادی و... می باشد.

پیگیری دعوی در مراجع قضایی نیاز به مشاور و مفسر دارد که در شرایط معمولی این امر بوسیله وکلای دادگستری اعمال می گردد، اما در شرایط خاص و زمانی که بزه دیده از مصونیت برخوردار است لزوما هزینه های استخدام وکیل به دلیل نادر بودن موضوع با سختی هایی مواجه می باشد که در این صورت بایستی از معاضدت قضایی و مشایعت و کمک دولت بهره جست و کلیه این امور برای چنین بزه دیده ای به صورت آسان برقرار شود. (Han, 2007, 15)

۷: حق حمایت شدن

لزوم تضمین سلامت جسمی و امنیت فرد بزه دیده ایجاب می نماید که بعد از استماع و مشاوره و دادن آگاهی های لازم از بزه دیده در برابر بزه کار حمایت شود. در این جا نباید صرفا به قبول و ثبت شکایت بزه دیده اکتفا شود و سپس وی با تمامی مشکلات تنها رها گردد. (Han, 2007, 17) هر شکل از تهدیدات می تواند بزه دیده یا اطرافیان وی را از مراجعه به مراجع صالح منع نماید. این امر موقعی که بزه دیده در مقابلش بزه کاری با انواع مصونیت ها و امتیازات و حمایت های دولتی وجود

داشته باشد وضعیت بفرنج تری به خود می گیرد. در این مورد به دلیل مراودات سیاسی دولت بعضا با اغماض طرف بزهکار را مورد تعقیب قرار می دهد که در این میان بایستی دولت ها از هر گونه حمایت غیر عرفی و غیر معمول از بزهکار دوری کنند که در این رابطه وظیفه وسایل ارتباط جمعی و روزنامه ها و علی الخصوص خبرنگاران بیشتر است. خبرنگاران و روزنامه ها بایستی با به روز نگه داشتن موضوع فشار زیادی را بر دولت وارد کنند که دولت نتواند حقوق شهروند خود را به خاطر برخی مراودات و ملاحظات سیاسی و بین المللی پایمال کند. تداوم حمایت ها و ایجاد امنیت برای بزه دیده سلامت روانی و جسمانی وی را فراهم می سازد. در مراحل مختلف دادرسی اگر کنترل ها و حمایت های لازم از بزه دیده صورت نگیرد امکان وقوع پیوستن انواع اقسام تهدیدات نسبت به وی وجود دارد. آزادی متهم بدون مشورت با بزه دیده می تواند وسیله ای برای تهدید بزه دیده یا بستگانش باشد. حتی مواجهه ناخواسته دو طرف در برخی مراجع می تواند آثار مخربی نسبت به بزه دیده داشته باشد. در این راستا بایستی ارگان ها و تشکیلاتی که مصونیت و امتیاز نسبت به بزه کار را اعطا نموده اند نیز تحت کنترل و پایش قرار گیرند و تمامی فعالیت های آن ها از قبیل فرستادن نماینده برای مذاکره با بزه دیده یا بستگانش تحت کنترل مراجع قضایی و انتظامی قرار گیرد تا حقی بدین وسیله تضییع نگردد. در این راستا محل سکونت و یا محل اشتغال بزه دیده نیز می تواند از تهدیدات و سایر مواردی که کنترل روح و روان بزه دیده را به خطر می اندازد کاهش یابد. اگر هر یک از این با هوشیاری مقامات قضایی و اجرایی عملی شود امنیت قضایی بزه دیده به شکل عملی قابل تصور می باشد. لازمه حق حمایت شدن تقویت بزه دیده با اتخاذ تدابیر نظارتی در برابر بزهکار می باشد اگرچه در جرایم بسیار مهم بزهکار در حبس تامینی قرار می گیرد اما در اکثر موارد بزهکار ممکن است بدون آنکه نظارت قضایی بر وی اعمال شود آزاد مانده باشد برفرض ما بایستی برای بزهکاری که دارای مصونیت می باشد شروط و تدابیری مانند عدم ملاقات با افرادی خاص و یا عدم تردد در مکان های معین مقرر کنیم. همچنین راهکار های دیگری نیز از قبیل بازداشت بزه کار و یا تامین محل سکونت کنترل شده برای بزه دیده می تواند پیشنهاد شود.

در راهکارهای مزبور حفظ حقوق و حمایت از بزه دیده با اصل برائت متهم در تعارض می باشد و بنا به اصل برائت تا روز محاکمه متهم بایستی آزاد باشد و جرمی متوجه او نگردد، اما با توجه به شرایط بزه و ارزیابی عدم کارایی قرارهای دیگر و این که بدون صدور قرار بازداشت متهم امکان کنترل قضیه امکان پذیر نمی باشد بنابراین امکان صدور قرار بازداشت موقت برای بزهکار موجود است (آشوری، ۱۳۷۶، ۲۳-۲۷). در رابطه با فرض ما در این پژوهش زمانی که بزهکار دارای مصونیت سیاسی است می توان با همکاری با سفارت دولت فرستنده نماینده امکان همکاری های لازم را در جهت عدم خروج بزه کار از کشور با رعایت اصول حسن نیت و عرف بین المللی صورت داد. چون که این چنین به نظر می رسد که به دلیل طرفینی بودن موضوع مصونیت نماینده و این که هیچ عقل سلیمی نمی خواهد که بزه دیده از حقوقش محروم گردد همکاری های طرفینی با رعایت اصول اخلاقی و عرف بین المللی می تواند در احقاق حقوق بزه دیده راه گشا باشد.

مورد مهمی که در این رابطه می توان طرح کرد حمایت از بزه دیده در مقابل رسانه ها می باشد. برخی مواقع علاقه و کششی که در حوادث وجود دارد موقعیتی را ایجاد می کند که اطلاع رسانی به گونه ای دیگر و خلاف قاعده و خارج از حالت عادی صورت گیرد. هرگونه تصویر برداری و اکران آن بایستی به رضایت بزه دیده بوده باشد و نشان دادن بدون رضایت آن ها می تواند مسئولیت رسانه مزبور را ایجاد نماید. (Doerner, 2010, p 196) در فرض ما بایستی رسانه های جمعی همواره طرف بزه دیده را مراعات نماید به طوری که اگر آن ها نیز از مصونیت بزه کار حمایت کرده و وارد بازار سیاست شوند اضلاع مختلف عدالت خواهی و احقاق حقوق بزه دیده به شدت مخدوش شده و اثری از آن نمی ماند. در موارد هم به دلیل این که

ممکن است فشارهای سیاسی موجب گردد که بزه دیده و اطرافیان‌ش با تهدیدات متفاوت روبرو شوند بنابر این رسانه‌ها بایستی بنا به خواست و مشاوره مرجع مشخصات خود و محل اقامت بزه دیده سخنی به میان نیاورند تا خدشه‌ای در احقاق حقوق و سلامت پیگیری دعوی ایجاد نگردد. با توصیفات حاضر اهمیت حقوق حمایت و همراهی مشخص می‌شود و در کنار آن بایستی حقوق ناظر به جبران خسارت مورد بحث و تدقیق قرار گیرد. حقوق ناظر به جبران خسارت یکی از مهمترین ارکان حقوق بزه دیده در فرایند دادرسی می‌باشد. به بیانی دیگر عمده هدف بزه دیده از طرح دعوی احقاق حقوق و جبران خسارات ناشی از جرم می‌باشد.

۸: حقوق مربوط به پیگیری دولتی

در فرض پژوهش حاضر یعنی زمانی که بزه کار دارای مصونیت سیاسی می‌باشد و در فرض بزه دیده در جهت احقاق حقوق خود تلاش می‌کند بعضاً مواردی یافت می‌شود که به راحتی و از طرق حقوقی می‌توان وضعیت پرونده را به حالت عادی باز گرداند و شرایط استثنایی را از آن حذف نمود.

با دقت در قواعد حقوق بین الملل راجع به مصونیت‌های دیپلماتیک به راحتی میتوان موارد اطلاق یا مقید بودن قواعد نسبت به ماموران سیاسی را متوجه شد. یعنی اگر مشاوران و کارشناسان خبره در این زمینه‌ها فعالیت نمایند به راحتی می‌توانند احقاق حقوق بزه دیده را یافته و رسیدگی را در خاک کشور پذیرنده صورت دهند. به بیانی دیگر فقط ماموران دیپلماتیک در قالب شرایط معین به صورت مطلق مصون می‌باشند و سایر مامورین از قبیل مامورین کنسولی و... به شکل مقید و با وجود شرایطی مصون می‌باشند. از سویی دیگر مساله سو استفاده‌ها از مصونیت سیاسی نیز از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد. (محمودی، دیرند، ۱۳۹۴، ۴۸)

همانطور که از فلسفه قواعد بین المللی واضح است کلیه قواعد بین المللی در جهت تسهیل انجام ماموریت و وظایف وضع شده و در همه آن‌ها شرط رعایت قوانین داخلی کشور محل ماموریت و عرف غالب آن اعمال شده است. به عنوان نمونه ماموری که در ایران در حال فعالیت می‌باشد به صرف دارا بودن مصونیت سیاسی نمی‌تواند هر عملی که دلش خواست را عملی کند، بنابراین در صورت وقوع عملی که در قانون کشور محل ماموریت جرم است از روش‌های مختلف می‌توان مامور را تحت تعقیب و کنترل قرار داد و حتی محاکمه کرد. لغو مصونیت وی، اخراج وی، ممنوع الخروج ساختن وی و مواردی از این دست راهکارهایی هستند که می‌شود در چنین مواقعی علیه مامور دیپلماتیک اعمال کرد. در رابطه با جرایم رانندگی رویه بین المللی طوری است که هر کشوری قواعد مربوط به آن را طبق نظر خود تفسیر می‌نماید اما مقبول آن است که در وقوع چنین جرایمی قوانین و مقررات کشور محل خدمت و عرف غالب آن رعایت شود تا شخص مامور دیپلماتیک بتواند از مصونیت خود استفاده نماید. (محمودی، دیرند، ۱۳۹۴، ۵۱)

۹: حقوق حمایت در کشور فرستنده

بزه دیده در شرایط پیش آمده علاوه بر حقوقی که در کشور متبوع خود دارد دارای حقوقی نیز در کشور متبوع نماینده دیپلماتیک می‌باشد. به موجب نص صریح عهدنامه ۱۹۶۱ وین عدم تعقیب و محاکمه نماینده دیپلماتیک در خاک کشور پذیرنده وی را از تعقیب و محاکمه در خاک کشور خود مصون نمی‌کند. مصونیت مزبور هرچند باعث عدم تعقیب بزه کار در محل ماموریت از جانب کشور پذیرنده می‌شود اما این مصونیت در کشور متبوع نماینده کارایی خود را از دست می‌دهد و به

عنوانیک قاعده بین المللی اعمال می گردد. عدم محاکمه مامور بزه، بزه کار از سوی دولت فرستنده می تواند موجبات مسئولیت بین المللی دولت مذکور را فراهم سازد (صدیق، ۱۳۹۲، ۱۳۱-۱۳۴).

طبق رویه معمول، بزه دیده بایستی با کمک مراجع صالح داخلی در پی احقاق حقوق خود باشد و در این راه با کمک وزارت امور خارجه مشروح امر را به ماموران و دستدرکاران سیاسی کشور فرستنده برسانند و از تمامی مدارک و مستندات رونوشت فرستاده و همه این امور را با همراهی ماموران دیپلماتیک مسئول کشور فرستنده انجام دهند. (Esen, 2009, 62)

نحوه رسیدگی به جرایم مامور دیپلماتیک در خاک کشور متبوع خود به موجب قوانین و مقررات آن کشور اعمال می گردد. اگر بزه ارتكابی مامور در قوانین دولت متبوع خودجرم تلقی نشود بایستی رسیدگی به موارد مربوط به خسارات و جبران آن صورت بگیرد و رای آن به شکل مستدل و همراه اجراییه (جبران خسارات) به همراه حق اعتراض و تجدید نظر به سفارت یا کنسولگری کشور پذیرنده و یا به شکل مستقیم به دوایر ارتباطات خارجی وزارت امور خارجه ارسال می گردد. (Han, 2007, 154-148) بزه دیده حق هر گونه تسهیل در روند پیگیری در پرونده خود را در قالب قواعدحسن نیت دارا است. حق مراجعه بدون نوبت به سفارت کشور فرستنده برای کسب اطلاع از روند رسیدگی به پرونده، حق همراه داشتن وکیل در مراجعات به سفارت خانه کشور فرستنده مأمور دیپلماتیک و مواردی از این دست از حقوق بزه دیده در این رابطه محسوب می گردد. در کشورهایی که سفر به آن ها متوقف بر گرفتن ویزا و پرداخت هزینه های فراوان می باشد اصل حسن نیت در حقوق بین الملل ایجاب می کند که فرایند سفر بزه دیده یا وکیل وی برای پی گیری از پرونده و احقاق حقوق خود خارج از نوبت و بدون پرداخت هزینه باشد. (Esen, 2009, 72)

ب: حقوق مربوط به جبران خسارت

از موارد ارزش بخشیدن به شهروندان و حفظ کرامات انسانی آن ها حق جبران خسارات آن ها است. حفظ کرامت انسانی و تمامیت جسمانی بزه دیده در مقابل دیگران هم تکلیفی است برای جامعه و هم حقی است انکار ناپذیر. جبران خسارت در مور آسیب های روانی و اجتماعی طولانی مدت و ماندگار که ناشی از جرم می باشند لازم و ضروری است اما کافی نمی باشد. چرا که این آسیب ها موجب صدمه به تعادل روانی بزه دیده شده و منجر به ناکارآمدی فعالیت های حرفه ای او می گردد. برای حقوق جبران خسارت دو حق بر عهده گرفتن هزینه های بزه دیده و جبران ضرر زیان بزه دیده را می توان برشمرد.

۱: حق بر عهده گرفتن هزینه های بزه دیده

سیاست غالب عدالت کیفری در اکثر کشورها نگرش اساسی و کلی به حق و حقوق بزه دیده می باشد. در این نگرش جبران خسارت در اجرای مجازات و بازپرداخت ضرر و زیان های مالی خلاصه نشده بلکه ابعادی وسیعتر بخود گرفته و بعدهای روان شناختی، روانپزشکی و لزوم بر عهده گرفتن آسیب های متعدد جرم را نیز در بر می گیرد. (محمودی، دیرند، ۱۳۹۴، ۵۲)

کمک به بزه دیده در مخارج ضروری روزمره وی از مهمترین حالات پذیرش بار مسئولیت وی می باشد. بزه دیده گان غالباً از گروه های کم بهره و کم توان جامعه می باشند و اکثراً به کمک های مالی و مادی محتاج هستند. وقوع بزه باعث ایجاد اختلال در فعالیت های روزمره وی و اطرافیانش می شود و کمک های مالی و مادی در زندگی روزمره آن ها می تواند بار تحمل بسیاری از مشکلات را از دوش آن ها بردارد. بزه دیده گان به دلیل وقوع بزه اکثراً از کنترل وضعیت موجود و هزینه های اضافی آن نا توانند، هزینه هایی چون آمد و شدهای مداوم به مراکز درمانی و دادرسی، هزینه به کار گیری تدابیر امنیتی، مشارکت در

فرایند عدالت کیفری، حضور در جلسات محاکمه، هزینه های پزشکی، هزینه های مدد کاری و توانبخشی و هزینه هایی از این دست زندگی روزمره آن ها را مختل کرده و شرایط بغرنجی را برای آن ها بوجود می آورد. به غیر از این هزینه ها برخی مواقع هزینه ها و خسارت ها به شکل عدم نفع بروز می کند به طوری که فرد به دلیل وقوع بزه و بر فرض از دست دادن کارکرد و عملکرد دست های خود مجبور به استعفا یا اخراج از شغل خود شده و دیگر درآمد کافی برای امرار و معاش ندارد. جبران هزینه های مادی که مستقیماً و غیر مستقیماً به بزه دیده وارد شده است در اکثر سیستم های حقوقی معتبر دنیا مورد پذیرش واقع گشته است و صرفاً در منابع تامین آن و نحوه جبران هزینه ها اختلاف موجود می باشد. (محمودی، دیرند، ۱۳۹۴، ۶۲)

در حالتی هم که بزه دیده در مقابل خود بزهکاری را می بیند که دارای مصونیت سیاسی بوده و امکان تعقیب و محاکمه وی بر طبق اصول بین الملل و قواعد آن وجود ندارد بهترین راه حل برای ترمیم آلام و کاهش رنج های بزه دیده آن است که با کمک مالی و پوشش ضررها و جبران مخارج آن ها تا حدودی گامی به سوی عدالت برداشته شود. توصیف حاضر پیش بینی یا وضع قانونی نمی باشد بلکه این توضیحات حالتی اخلاقی داشته و برای حل مساله گامی اساسی به سوی عدالت قلمداد می شود. در چنین وضعیتی دو طرف کاملاً متضاد هم وجود دارد، از یک طرف بزه دیده است که نه تنها قربانی جرمی شده و در دردها و رنج های بی شماری غوطه ور مانده و چشم امیدش به آگاهی ها و مشاوره دادن های مراجع انتظامی هست و از طرفی دیگر بزهکاری است که علاوه بر وارد آوردن ضررهای مادی و معنوی به بزهکار از مصونیت ها و حمایت های بی شماری بهره می برد که امکان محاکمه وی در محلی که بزه مربوطه را صورت داده نیست. در چنین حالتی بهترین راه حل برای پوشش خسارات و ضررهای وارد شده همین کمک ها و به عهده گرفتن هزینه های روزمره بزه دیده می باشد. این امر اخلاقی و انسانی به راحتی می تواند وضعیت روحی بزه دیده را در حالتی قرار دهد که بهتر بتواند تصمیم بگیرد و نسبت به موضوع سعه صدر از خود نشان دهد.

آسیب های روانی و عاطفی نیز در کنار آسیب ها و ضررهای مادی مستقیم و غیرمستقیم به بزه دیده وارد می شود بنابراین شناخت ماهیت و قلمرو و آثار این دو از یکدیگر لازم و ضروری است. درد و رنج مفهومی عاطفی است و در قلمرو روانشناسی قرار می گیرد ولی در مقابل آسیب های روانی مفهومی پزشکی قرار می گیرد. آسیب های روانی هم به شکل هزینه های درمانی و هم به شکل جبران خسارت قابلیت تقویم دارند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ۸۷) اما در مقابل درد و رنج های عاطفی قابلیت تقویم ندارند و در حقوق ایران نیز به عنوان خسارات معنوی قلمداد می شوند. دیدگاه های متفاوتی در رابطه با مبانی و مستندات و چگونگی جبران چنین خساراتی وجود دارد اما در مجموع می توان بیان داشت که بنا به اطلاق قاعده لاضرر و قابلیت جبران عدم النفع اعم از منافع مستوفات و غیر مستوفات و منافع ممکن الوصول و بنای عقلا به استناد اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و موارد ۲۱ ۲ ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری جبران آن امکان پذیر می باشد. (آشوری، ۱۳۸۴، ۲۶۱-۲۶۴)

۲: حق جبران ضرر و زیان

ترمیم و اصلاح آثار ناشی از جرم و جبران ضرر و زیان در سیستم های مختلف جهان دارای اشکال متفاوتی می باشد. برخی از نظام های حقوقی جبران ضرر و زیان را صرفاً توسط بزهکار جایز دانسته اند و مشروط قرار دادن تخفیفات مجازات، تعلیق صدور حکم و اجرای مجازات و آزادی مشروط به جبران خسارات قلمداد شده است. در فرض پژوهش حتی در موارد عادی یعنی در حالتی که بزه دیده و بزه کار در شرایط مساوی هستند روند مراحل دادرسی و طولانی شدن احراز اتهامات بزه کار و تاخیر

صدور حکم نهایی جبران خسارت بزه دیده از جانب بزه کار را طولانی ساخته و با موانعی روبرو می‌سازد. این عوامل خود وسیله‌ای برای بزه دیده‌گی و ناملایمات آتی و یا حتی تکرار جرم می‌تواند باشد. با این شرایط و با فرض این که بزه کار دارای مصونیت سیاسی می‌باشد امر جبران ضرر و زیان با مشکلات و موانع بسیاری روبرو می‌شود. طرح شکایت و روند سیاسی آن و رسیدگی به شکایت در دادگاه‌های کشور فرستنده و صدور حکم و قرار اجراییه برای جبران ضرر و زیان می‌تواند سال‌های مدیدی را لازم داشته باشد. بنابراین بهترین گزینه برای جبران ضرر مادی بزه دیده در این شرایط رایزنی و گفتگو با سفیران و نمایندگان کشور فرستنده می‌باشد و حتی بهتر این است که ضررهای متعارف و معمولاً از بیت‌المال پرداخت شود و سپس با رایزنی‌ها و جلسات خسارات وارده از شخص نماینده یا از کشور فرستنده اخذ شده و در صندوق دولت واریز گردد.

جبران دولتی خسارت بزه دیدگان عبارت است از پرداخت پول از طرف دولت به بزه دیدگان یا خانواده‌های آنان در برابر زیان‌ها یا آسیب‌های ناشی از جرم، درموردی که جبران خسارت از سوی بزه‌کار یا دیگر منابع مالی امکان‌پذیر نباشد. پس از وقوع جرم بزه دیده‌گان متحمل انواع صدمه‌های جسمی، مالی، روحی و روانی می‌شوند و جبران خسارات وارده بر آنان از رهگذر ابزارهای مالی تأثیر به‌سزایی در التیام صدمات وارده بر آنان خواهد داشت. از این رو در بسیاری از قوانین ملی و اسناد بین‌المللی جبران خسارت به عنوان یکی از حقوق اصلی بزه دیده به رسمیت شناخته شده است. (آنسل مارک، ۱۳۷۵، ۱۵۱)

همچنین برای تکمیل بحث در رابطه با جبران خسارات در فرض ما بهتر است که کلیه خسارات نمایندگان دارای مصونیت به شکل طرفینی توسط شرکت بیمه تضمین گردد که اگر احیاناً از عمل و رفتار نماینده کشور شهروندی شود خسارات مزبور بدون تشریفات دست و پاگیر از طرف شرکت بیمه به بزه دیده پرداخت گردد و بدین واسطه ضررهای وارده جبران گردد. چون که فلسفه جبران خسارت ایجاب می‌کند که جبران خسارت بایستی سریع، فراگیر، موثر و منظم و در ارتباط با تغییر وضعیت بزه دیده باشد. لازمه چنین جبرانی این است که خسارت فعلی یا آینده، مستقیم یا غیر مستقیم هرچند مرتکب آن دستگیر شود یا نه بایستی همگی جبران گردد. بنابراین دسترسی به مرکز جبران خسارت بویژه در مواردی که مجرم فوت شده یا دسترسی بدان امکان‌پذیر نمی‌باشد بایستی عمومی و آسان باشد.

در مورد بزه دیده‌گان خاص بویژه در مواردی که مرتکب ناشناس، معسر و یا مصون از محاکمه باشد لازم است جبران خسارت به دوش یک سازمان پرداخت‌کننده و منبعی مستقل باشد. جبران خسارت از بیت‌المال نقایص پرداخت و جبران خسارت از جانب بزه دیده را می‌پوشاند و در عوض زمانی که خسارت از بزه کار اخذ شد به حساب دولت و بیت‌المال واریز گردد.

پرداخت خسارت از جانب دولت با پرداخت خسارت از سوی نهاد‌های عمومی دارای تفاوت‌هایی است. (حاجی‌ده آبادی، ۱۳۸۸، ۱۵۲) هر چند در هر دو مورد ریشه جبران خسارات به دولت برمی‌گردد اما سالانه هزینه‌هایی که بواسطه جبران خسارت به دولت بار می‌شود بسیار زیاد بوده و دولت‌ها از پرداخت آن ابا دارند اما زمانی که خسارت از سوی نهاد‌های عمومی پرداخت می‌گردد این نهادها بودجه‌هایی که دولت سالانه در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد را به کار انداخته و با سود آن هزینه‌های لازم را بدست می‌آورند. صندوق‌های بازنشستگی نمود بارز این نهاد عمومی هست. مطمئناً فلسفه وجودی موسسات خیریه تأمین خسارت‌های جبران‌نشده افراد می‌تواند باشد.

به رسمیت شناختن حق جبران دولتی خسارت بزه دیدگان در قوانین داخلی، تنها بخشی از برنامه حمایت از بزه دیدگان به شمار می‌آید. در مرحله بعد پیش‌بینی سازوکارهای اجرایی و اداری دقیق و شفاف در مورد فرایند درخواست، بررسی، تصویب و پرداخت خسارت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مبهم بودن فرایند رسیدگی به درخواست‌های جبران دولتی خسارت،

حاکمیت بروکراسی اداری بر این فرایند و طولانی بودن زمان رسیدگی از عمده ترین دلایل نارضایتی بزه دیدگان از حمایت های دولتی محسوب می شوند.

نتیجه گیری

کنوانسیون وین از دیدگاه بزه کار و متهم به مساله بزه واقعه در خاک کشور پذیرنده توسط مامور دیپلماتیک توجه کرده است. به طوری که درجاتی از مصونیت سیاسی را برای مامور دیپلماتیک در خاک کشور پذیرنده وضع نموده و صرفا با بیان اینکه نماینده سیاسی بایستی در انجام ماموریت خود قوانین و عرف معمول کشور پذیرنده را رعایت کند شرط وافی و کافی وضع نموده و صرفا احقاق حقوق بزه دیده را در خاک کشور فرستنده و طبق قانون آن کشور تلقی کرده است.

قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران اصل صلاحیت شخصی و سرزمینی را قبول کرده و مقرر می دارد هر جرمی که در خاک جمهوری اسلامی ایران ارتکاب یابد طبق قوانین ایران تعقیب و محاکمه خواهد شد. اما از طرفی هم ایران عضو معاهده وین راجع به روابط دیپلماتیک می باشد. بنابراین در هنگام تعارض قوانین بین المللی قابلیت اجرا دارد ولی این بدان معنی نیست که به طور کلی مورد و پرونده از دستور کار دولت ایران خارج خواهد بود بلکه برخی از اقدامات توسط دولت ایران صورت می گیرد و در لابلای این اقدامات حقوق بزه دیده بایستی با تسهیلات ویژه ای مواجه گردد.

طبق قواعد حقوق بین المللی بزه دیده در چنین حالتی دارای حق تظلم خواهی در دادگاه کشور فرستنده می باشد. این قاعده به صورت مکتوب و در منطوق موارد معاهده وین جای دارد. اما در کشور پذیرنده یا کشور متبوع خود نیز طبق عرف و رویه دارای حقوقی در راستای احقاق حقوق خود می باشد. این حقوق در قالب عناوین حقوق حمایتی و همراهی، حقوق جبران خسارت و حقوق پذیرش دولتی می توانند نام گذاری شوند.

اصل حسن نیت، اصل انصاف و اصل همکاری متقابل به عنوان تضمیناتی برای احقاق حقوق بزه دیده تلقی می شوند. وضعیت مزبور یک حالت طرفینی می باشد چونکه بر فرض اگر امروز نماینده دولتی در کشور دیگر مرتکب بزه می شود و به موجب مصونیت از محاکمه معاف می گردد از سویی دیگر شهروند کشور پذیرنده حقوق خود را پایمال می بیند ممکن است در آینده این وضعیت به شکل برعکس رخ دهد.

هیچگونه اقدام یا عمل اجرایی نباید علیه ماموران دیپلماتیک صورت گیرد مگر در موارد استثنایی مذکور در بحث مسئولیت مدنی آن هم به شرطی که تعرضی نسبت به مصونیت شخصی یا محل سکونت مامور صورت نگیرد.

مصونیت قضایی ماموران دیپلماتیک حق مطلق نبوده بلکه کشور پذیرنده می تواند از کشور فرستنده مامور بخواهد تا ماموری که از مصونیت استفاده کرده فراخوانده و یا سلب مصونیت وی را خواستار باشد یا او را از کشور محل ماموریت اخراج نماید. البته بدون درخواست کشور پذیرنده سلب مصونیت از سوی کشور فرستنده به موجب ماده ۳۲ عهدنامه ۱۹۶۹ امکان پذیر می باشد.

تضمین حقوق بزه دیده گان در شرایط مزبور در مرحله اول بستگی به نظام سیاسی دولت متبوع خود دارد. اگر دولت پذیرنده توانایی پیگیری موضوع را داشته باشد امید زیادی برای احقاق حقوق بزه دیده وجود خواهد داشت. از سویی دیگر قواعد حقوق بین الملل و مقررات عهد نامه وین در رابطه با روابط دیپلماتیک خود تضمینی برای احقاق حقوق بزه دیده می باشد.

حقوق بزه دیده در کشور متبوع خود مربوط به حق شناسایی و مورد توجه قرار گرفتن، حق دسترسی به عدالت کیفری، حق پذیرفته شدن در مراجع و تشکیلات دولتی، حق همراهی، حق استماع، حق آگاهی، حق پیگیری، حق مشاوره، حقوق مربوط به پیگیری دولتی، حقوق مربوط به جبران خسارات مادی و معنوی، حق به عهده گرفتن هزینه های بزه دیده توسط دولت یا نهاد های عمومی، حق جبران ضررو زیان و خسارات و حقوقی که بزه دیده انتظار دارد که از سوی دولت و دستگاه های دولتی برای وی برآورده شوند می شود. با مطالعه موضوع مشخص می گردد که حقوق بزه دیده صرفا حقوق قضایی نمی باشد و در کنار حقوق قضایی از سایر حقوق نیز می تواند بهره مند شود. حق استفاده از مشاوره روان درمانی، حق تسهیل در استفاده از امکانات درمانی و پزشکی، حق عدم رویارویی با بزه کار در مراجع و... هر چند جزء حقوق غیر مهم باشند باز هم می توانند در بهبود وضعیت بزه دیده و تسهیل در احقاق حقوق وی مفید باشد. قوانین راجع به حقوق شهروندی و حقوق بشر در مواقع حل مشکل تعارض و تراحم قوانین مفید باشد. آشنایی با حقوق شهروندی و استفاده از آن جزء حقوق اولیه هر شخص می تواند باشد. حق تظلم و دادخواهی نیز یکی از مباحث مربوط به حقوق شهروندی است و در قواعد بین المللی و قواعد مکتبی و دینی بدان توصیه های فراوانی شده است. مشکل مربوط به حقوق بزه دیده در شرایط مزبور مشکل کشورهای غیر اروپایی است. چونکه در کشورهای اروپایی به دلیل وجود دادگاه حقوق بشر اروپا تمامی تظلم خواهی و پی گیری حقوق اگر در دادگاه های داخلی به سرانجام نرسد قابلیت طرح در آن محکمه را دارد و حکم آن دادگاه حکم لازم الاجرا بوده و عدم اجرای حکم آن دادگاه مسئولیت بین المللی دولت را به دنبال دارد.

منابع

۱. آشوری، محمد، (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، انتشارات سمت، تهران.
۲. آشوری، محمد، خدادادی، ابوالقاسم، (۱۳۹۰)، حقوق بنیادین بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری، مجله آموزه های حقوقی کیفری، شماره ۲، پاییز و زمستان.
۳. آنسل، مارک، (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی آبرند آبادی، نشر دانشگاه تهران، تهران.
۴. جاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۸۸)، جبران خسارت بزه دیده، نشر پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۴)، بزه دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، تهران.
۶. رنگرز، رضا، (۱۳۸۹)، وظایف پلیس در قبال زنان بزه دیده خشونا خانوادگی، فصل نامه مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۲۵۰.
۷. سماواتی پیروز، امیر، (۱۳۸۸)، ناتوانان بزه دیده در پرتو رهیافت های جرم شناسی و قوانین کیفری در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه دوره دکتری رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۸. صدیق، فرزانه، (۱۳۹۲)، دلایل ایجاد مسئولیت بین المللی دولت ها در حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل، دانشگاه پیام نور واحد تهران.

۹. محمودی، امیررضا، دیرند، رضا، (۱۳۹۴)، تاثیر مصونیت سیاسی بزهکار بر حقوق بزه دیده در حقوق ایران، نشر یاشار قلم، تبریز.

۱۰. Algan, Bulent, (2018), Arrupa İnsan Haklar Mahkemesinin İnsan Hak larinin Savunmasiyla Ilgili olan Konularda ki Gorerleri, Iz Dergisi, Ankara.
۱۱. Doerner, W. C. (2010), ,Victimology ,encyclopedia of Victimology and crime prevention vol. 2.
۱۲. Jaspard, M. (2000), Violence et maltraitance? Le poids des motd et des chiffres, In Gerontologic et societe.
۱۳. Lopez, G, & S. Portelli, (2007), clement Les droits des victims, Ed. Dalloz, coll Etats de droit, 2B Ed.
۱۴. Lopez, G & S. Bornstein, (1995), Victimology Clinique , Ed. Malion.
۱۵. Said, Han, (2007), Diplomantik Hukukuna Giris, Imge Yayinlari, Istanbul.
۱۶. Selin, Esen, (2009), Diplomantik Hukukta Elgilkler re konsoloslarin Gorevleri, Beta Yayinlari, Ankara.



The rights of victims in the crimes of criminals with political immunity

Abstract

When an international treaty provides immunity for political agents in the territory of the receiving country or the place of mission, the criminal behavior of the agent will also have immunity, according to which immunity, the possibility of prosecution, arrest and trial of the agent will not exist. But considering the other side of the victim, that is, the victim, his situation requires that conditions be created so that his rights are not violated and he is not caught in more problems than he is. Therefore, according to the Universal Declaration of Human Rights, as well as the rules of citizen's rights, as well as human values and dignity, methods for the rights of the victim should be considered, so that he can recover his lost rights and the damages caused to him are compensated. And his condition will return to the state before the crime. Therefore, in order to realize the rights of the victim in such a situation, some actions such as counseling, accompaniment, support, political consultation with the government of the agent and other such issues should be carried out so that the victim can easily seek justice for his rights.

Key words: immunity, political immunity, crime with political immunity, rights of the victim.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی